

درس‌هایی از خودشناسی و خودسازی دانش هیپنوتیزم و مانیه تیزم (جزوه دوازدهم)

نویسنده : فریدون فریور
منبع: <http://hipnotism.ir>





دوست عزیز:

این آخرین جزه ای است که از دانش هیپنوتیزم و مانیه تیزم که هم کنون در دس دارید، می‌خواهید آن را مطالعه کنید، امیدوارم با انجام و مطالعه دقیق دستورات و تمرینات موفقیت بزرگی بدست آورده‌اید و با ادامه برنامه روزانه آنچه راکه آموخته‌اید تضمین کرده همچنان در شاهراه خود شناسی و خودسازی قدم برمی‌دارید. پس از پایان این دوره می‌توانید، از موفقیت‌های خود ما را مطلع کرده و چنانچه عکس‌هایی از فرآیند خود فراهم دارید، نسخه‌ای با آخرین گزارش از موفقیت‌های خود برای موسسه ارسال دارید. ایمیل ما applytc@gmail.com سایت ما www.hipnotism.ir بی اندازه متشکر هستم

درس وازدهم

آنچه باید بدانیم و بدان‌ها عمل کنیم

درس‌های گذشته که تاکنون ساعت‌ها روی آن‌ها کار شده، نکاتی است که، در گفتارها، بدان‌ها اشاره نشده و یا متوجه آن‌ها نبودیم، در موقع عملیات و تمرینات، اگر آن شرایط را مراعات کنیم و بخاطر داشته باشیم نتیجه بهتر از کار خود خواهیم گرفت، حتی بعضی اوقات هیپنوتیزورهای مجرب و مانیه تیزورهای با سابقه، به آن نکات توجه نمی‌کنند، یا فراموش می‌کنند و یا سهل‌انگاری می‌نمایند، از کار خود نیز

نتیجه منفی یا ناقص می‌گیرند، حال می‌پردازیم یک یک این نکات حساس را شرح می‌دهیم.

1- شرایط اتاق خواب:

وقتی می‌خواهید معمولی را در اتاق خواب کنید، باید شرایطی را در آن اتاق فراهم سازید، تا بتوانید نتیجه بهتری از عملیات خود بدست آورید:

الف: اتاق باید نیمه روشن باشد، چنانچه نیاز به روشنایی زیاد داشته باشید، می‌توانید از چراغ‌های کم نور رو میزی استفاده کنید، درست است که قدرت مغناطیسی تاثیر خود را در همه جا روی معمول خواهد بخشید، ولی در اتاق نیمه روشن، نتیجه بهتر و بلکه عالی خواهید گرفت.

ب- آن نور کم اگر از پشت سر معمول بتابد بهتر است، روشنایی بیرون یا چراغ که اتاق را روشن می‌کند باید از پشت سر معمول و پشت صندلی وی بتابد و نور مستقیماً صورت معمول یا چشمان او را متاثر نسازد.

ج- در اتاق اگر سر و صدایی نباشد، معمول بهتر و زودتر تمرکز فکری پیدا کرده و بخواب خواهد رفت، بدان جهت تا می‌توانید در اتاق نیمه روشن عده‌ای را که خارج از حد باشند قبول نکنید تا معمول با آرامش کامل بتواند، حالت خواب خود را از عامل قبول نماید.

د- هوای اتاق باید کاملاً معتدل باشد نه زیاد گرم و نه زیاد سرد، حرارت اتاق باید طوری میزان باشد که، عامل و معمول از آن بابت احساس ناراحتی ننمایند، تا بتوانند ساعت‌ها به کار خود ادامه دهند.

ه- وسعت اتاق و گنجایش هوای آن را در نظر داشته باشید، تا می‌توانید اتاقی را برای عملیات انتخاب کنید که در آن بدون احساس ناراحتی چندین ساعت نفس بکشید و بودن یک عده تماشاچی نیز از نظر این مسئله کاملاً مزاحمت ایجاد خواهد کرد.

و- معمولاً در اتاق عملیات بوی زننده و ناراحت کننده، حاضرن را معذب نماید، بدان جهت اگر توانستید و مقدور بود از این نظر نیز اتاق را مجهز ساطید، تا بوی ناراحت کننده بمشام نرسد، البته بوی عطر تند نیز صحیح نخواهد بود.

ز- اثاثیه اطاق عملیات و نیمه روشن، باید مناسب با کار شما باشد، هرچیزی که مورد لزوم واقع نمی‌شود، نباید آنها را در جلوی چشمان معمول و اشخاص به نمایش گذاشت، هرچه این اتاق از نظر اثاثیه فقیر و بی آرایش باشد بهتر است، فقط با توجه به عملیات آنچه نیاز است، آنها را فراهم کرده و در دم دست قرار دهید، تا هر لحظه بیخود و بی جهت برای آوردن آنها از اتاق خارج نشوید.

اگر تزئیناتی هم اتاق داشته باشد، بهتر که مزبوط به کار خودتان باشد و اضافه از برنامه دیوارهای اتاق را اشغال ننمایید تا معمول موقع خوابیدن با نگاه به آنها خود را مشغول دارد.

2- منضامات و آهنگ تلقین:

وقتی می‌خواهید معمولی را بخواب ببرید، باید تلقینات لازم را درباره او انجام دهید، بشرح زیر مراتب را رعایت کنید:

الف- قبل از خوابانیدن معمول ایشان را وادارید چند عملیات ورزشی سبک و تنفس عمیق انجام دهد، این مقدمه او را آماده به خواب کرده و کار شما را سهل و آسان خواهد نمود.

ب- معمول را روی صندلی می‌نشانید، به ایشان می‌گویید کاملاً خود را روی صندلی جابه جا کند، آن طوری که راحت می‌باشد روی صندلی بنشیند تا در موقع تلقین کردن، در فکر جابه جا کردن خود نباشد.

ج- وقتی معمول را بخواب برد، پاس‌های معمول را که قبلاً شرح آن‌ها را داده‌ام انجام می‌دهید هر پاسی که از بالا به پایین می‌دهید به یاد داشته باشید در آن موقع نفس را از داخل سینه بیرون دهید.

د- فراموش نشود در ضمن تلقینات خود این تلقین را هم انجام دهید و جداً چندین بار آنرا تکرار نمایید:

- قلب، ریه‌ها، دیگر اعضا رئیسه، بدن شما بخوبی کار می‌کند،
- خون در رگ‌های شما بخوبی جریان دارد،
- نفس‌های شما شمرده و خوب، کامل صورت می‌گیرد،
- سالم هستید، احساس آرامش می‌کنید،
- هر نفسی که می‌کشید آرامش شما بیشتر می‌شود،
- خوابتان سنگین‌تر می‌گردد، بخوابید، راحت بخوابید...

ه- هنگامی که معمول در خواب است، شما نیز مشغول سؤال و جواب هستید یا عملیاتی انجام می‌دهید، گاهی به فواصل معین، چنین تلقین کنید:

- راحت بخوابید، هر آن خوابتان سنگین‌تر می‌شود،

- راحت نفس می‌کشید بیشتر احساس آرامش می‌کنید،

- صدای مرا به خوبی و آشکار می‌شنوید....

- بخوابید، هر آن خوابتان سنگین‌تر می‌شود،

- بخوابید، بخوابید...

و- مسأله مرحله به مرحله را فراموش نکنید، به موقع اشتغال به خوابانیدن فقط فکر شما روی اصل خواب کردن بوده و تمرکز فکری شما بر این اصل باشد که می‌خواهید معمول را به خوابانید، خارج از برنامه هیچ گونه فکری نکنید. با اراده قوی و تمرکز فکری، تلقینات را انجام داده و خواسته‌هایتان را از معمول بخواهید تا جدا انجام دهد.

ز- متن تلقینات خود را قبلاً آماده کرده و روی آنها چندین بار تمرین کنید، تکرار نمائید، جملاتی را بیان می‌کنید که استحکام و قدرت داشته باشید، با آهنگ جدی و صدایی قابل قبول اداء نمائید. دودلی و تغییر عقیده نداشته، آنچه می‌خواهید سلیس و محکم به زبان بیاورید.

ح- در خواب‌های سبک (سوگژستیف) اگر می‌خواهید معمول حرکتی را انجام دهد، بهتر خودتان نیز همان حرکت را انجام دهید. تا معمول از شما، آن را تقلید نماید. مگر این که برای شما انجام آن حرکت مقدور نباشد بدین ترتیب موفقیت شما در انجام حرکات خواسته شده از معمول بیشتر خواهد شد.

3-ملحقات:

گاهی عاملین می‌خواهند معمولی را خواب کرده و از ایشان سؤالاتی را بپرسند، جواب صحیح بگیرند. البته در هر معمولی این موضوع صدق نمی‌کند یا حرف نمی‌زنند، یا اینکه دروغ می‌گویند، نمی‌شود روی گفته‌های ایشان قضاوت کرد، معمولین راستگو، یا استثنائی هستند. یا اینکه باید چندین ماه کار کرد تا مجرب شده و به گفتار آنان اطمینان نمود.

ملحقات مربوط به این نوع مسائل بوده، برای مبتدیان از این مقوله بیان می‌شود و به موضوعات و مباحث خود اضافه می‌نمایم.
الف- طریقه‌ی به حرف آوردن معمول:

عامل می‌خواهد معمول بعد از خوابیدن سؤالاتی را جواب بدهد. معمولاً معمول پاسخی به سؤالات عامل می‌دهد. برای این که بین عامل و معمول یک رابطه‌ی معنون برقرار است و معمول کاملاً عامل را درک می‌کند ولی گاهی پیش می‌آید که معمول جواب سؤالات عامل را نمی‌دهد، دلیل پاسخ ندادن چند چیز است:
یا صدای عامل را نمی‌شنود.
یا اینکه نمی‌تواند حرف بزند.

نتیجه‌ی مرد و اینکه، معمول پاسخ جوابها را نمی‌دهد، در این موقع عامل، چند پاس به گلو یا گوش‌های معمول با مسح یا بی‌مسح می‌دهد، و تلقین می‌کند:

- صدای مرا به خوبی می‌شنوید، می‌توانید به سؤالات من پاسخ دهید،
- صدای مرا می‌شنوید،
- می‌توانید حرف بزنید

- جواب بدهید، حرف بزنید...

اگر پاسخ داد که، کار خود را ادامه می‌دهید، اگر پاسخ نداد، می‌توانید انگشتان دست راست را نوك کرده و به پیشانی یا ریشه‌ی چشم معمول بگذارید، دست چپ را نیز روی معده یا تهی گاه معمول قرار داده و باز تلقینات خود را تکرار می‌کنید، با چندبار پاس دادن و اصرار در انجام کار، معمول به حرف آمده و پاسخ شما را خواهد داد.

با توجه به این که در بدن انسان در علوم مختلف، مراکز قدرتی را تشخیص داده‌اند، در دانش مانیه‌تیزم نیز، ریشه چشم، تهی گاه و منطقه‌ی شکم، پاشنه پاها را، مرکز حساس می‌دانند. به همین جهت وقتی معمولی از خواب دیر بیدار می‌شود، به پاشنه پاهای وی توجه می‌شود، تا از خواب بیدار شود.

ب- این يك حقيقي است که، در جامعه‌های مختلف انعکاس دارد، و مردم را از مانیه‌تیزم و هیپنوتیزم ترسانیده و یا میترسانند. از کارهای مثبتی که به وسیله‌ی این علوم انجام می‌گیرد، سخن نمی‌گویند، ولی از کارهای منحوس و بد، تبهکاری-ها می‌نویسند، تا روزنامه یا مجله آنها، خریدار داشته باشد و خوب به فروش رود. دیگر اشاره نمی‌کنند، فلان بیماری یاسایت هیپنوتیسم دات آی آر) جراحی به وسیله‌ی هیپنوتیزم یا مانیه‌تیزم درمان یافت. به همین منظور اینجا لازم می‌دانم، اشاره کنم که، شخصاً بنا به جریاناتی که بیشتر فکری بود، به بیماری کروئر (کم رسائی خون به قلب) و عوارض آن گرفتار شدم، دکترهای معالج برای جراحی قلب، می‌خواستند به خارج از کشور بروم. لاقلاً نیم میلیون تومان مخارج آن می‌شد، به وسیله‌ی همین علم و اصولی که برای تداوی ابداء کردم در مدت کوتاهی خود را

معالجه کردم، در معاینه‌ی اخیر دکتر اظهار داشت، دیگر نیازی حتی به دارو و دوا ندارم. با همین اصول و راه دانش خودشناسی و خودسازی خویشتن را معالجه کردم، برای اثبات این مسئله اگر لازم باشد، حاضرم دکتر معالج را هم معرفی کنم و از ایشان نیز سؤال شود حقیقت چه بوده و معالجه چگونه انجام گرفته، من می‌خواهم روزنامه‌ها نیز از این مقوله بنویسند، تا ثابت شود که، این علوم، جنبه‌ی مثبت داشته و حال زمانی نیست که، آن را در طاق نیسان بگذاریم، علمی را که، پایه‌های اصلی آن در کشورهای شرقی گذاشته شده، غربی‌ها بدان عمل کنند ولی ما کلاً آن را از دفتر دانش شرق، پاک کرده و محو نمائیم.

بدان جهت لازم می‌دانم دوستان عزیز که، در دانش خود شناسی کار می‌کنید این را وظیفه خود بدانند که، مبلغ این علوم باشند، اشخاص را که مخالفت دارند. به آنها ثابت کنید و عملاً خود را چنان آماده سازند و به عالم بشریت خدمت نمائید که آن ترس واهی از ذهن مردم پاک شود.

دوستان عزیز، این وظیفه را به عهده بگیرید، تبلیغ کنید، این علوم و نشر آن به جامعه بشری منافی دارد و ترس را از مردم برطرف نمائید. در تعلیم و تربیت، در تهذیب اخلاق، در پزشکی، در تمام دانش‌ها قابل استفاده بوده و همه می‌توانند از آن سود برده و مفید جامعه باشند.

ج- در کتاب‌های مختلفی که راجع به این دانش (هیپنوتیزم و مانیه تیزم) چه در خارج و چه در داخل کشور (ایران) چاپ و منتشر شده، نویسندگان شمعی از سحر و جادو در آنها نوشته و به کارهایی که در شائن و مقام این دانش نیست اشاره کرده‌اند، همچنین عده‌ای از عاملین که اطلاعات مختصری از این دانش بدست

آورده‌اند. برای کسب شهرت و تأمین درآمد، در سالن‌های نمایش نقش مرتاضان را بازی کرده و آن را سحر و جادو معرفی کرده‌اند.

باید اذعان کرد که این دانش نه سحر است و نه جادو، نه هم وسیله‌ی نمایش در سالن‌ها، بلکه دانشی است از شعب روان‌شناسی، چه مستقلاً راهی را پیش گرفته و برای تدوین قوانین خود، عده‌ای را مشغول کرده است.

در مدت پنجاه سال، با توجه به گذشته این دانش، با عنایت بر این که می‌خواستم حقایقی را دریابم، در این دانش کار کرده و حال نیز می‌خواهم آن سیر انحرافی که سود جویان بر آن داده‌اند، به راه راست برگردانم و تمرینات و دستورات آن را تحت قوانین روشن و درست در بیاورم، تاکنون نیز این موفقیت نصیب گردیده به طوری که، داوطلبان و علاقه‌مندان که در کلاس درس حاضر شده و تکالیف را طبق دستور انجام داده‌اند، موفق به یادگیری آن شده و من را بیشتر در کارهایم مشون بوده‌اند.

در کتاب‌های روان‌شناسی، اشاراتی به خواب مصنوعی شده و در تجربیات خودشان، دانشمندانی چون شارگو، پیرژانه، فروید، از آن استفاده کرده ولی کتابی که، بتواند تحت قوانینی آن را یاد دهد و راهنما باشد، تدوین نکرده‌اند، حال بیشتر مطالعات روی این اصل انجام می‌گیرد که، آن قوانین لازم تنظیم گردد، و مطالعات من نیز از ابتدای آشنایی با این علم، در این ردیف بوده و این جزوه‌های دوازده‌گانه هم برای مبتدیان نگاشته شده و در سطح عالی، مطالعات خود را تنظیم و تدوین می‌نمایم و بر این هستم که به این موضوعات بی‌پایه، شاید هم بی‌مایه که درباره‌ی هیپنوتیزم و مانیه‌تیزم ساز کرده و آن را آلوده نشان داده‌اند پایان داده و سیمای حقیقی آن را معرفی نمایم. حال اگر کاملاً به دستوراتی که داده شده

عمل کنید هیچ وقت مسایلی که خطرناک باشد، پیش نخواهد آمد، صبورانه با قدرت به کار خود بپردازید، ترس را به خود راه ندهید، این یکی از ارکان شخصیت عامل است که در اعمال خود، ترس نشان ندهد، جسورانه، بی‌باک، متین، با قدرت به کارهای خود ادامه دهد، نتایج مفید این دانش را به مردم بشناساند، همیشه در تمرینات نترس، شجاع باشد و تلقین به نفس کند و فراموش ننماید که دیگر در جرگه‌ی عاملین قرار گرفته و باید این شخصیت را با مزایای لازم برای خود حفظ کرده و دستورات داده شده را با اراده انجام دهد .

د- در ابتدای کار و عملیات در انتخاب معمول باید بیشتر دقت شود، شرایطی را که برای این موضوع در جزوه‌ی هشتم نگاشته شده، دقیقاً مطالعه کنید. به اضافه مسأله‌ی مهمی که باید در نظر بگیرید این که افراد خانواده‌ی شما از سن شما، به عبارت دیگر از تشکیل شخصیت شما، با اخلاق و رفتار، گفتار و کردار شما آشنایی کامل دارند تا از نظر آموزش این دانش، چنانچه به مرور زمان در جریان یادگیری آن با شما همراه باشند، این مسأله در شخصیت شما تا عجین نشده و آن را قبول نکرده‌اند، از افراد خانواده کسی را برای خواب و یا عملیات ابتدایی انتخاب نکنید.

درست است که نیروی مغناطیسی شما در معمول تأثیر می‌گذارد، ولی به جهت ابتدای کار و عملیات، هنوز زود است که بتوانید مقاومت آنان را از میان بردارید، پس از مدتی که از دوستان و آشنایان برای خواب انتخاب کردید و آشنایی کامل به اصول اساسی این دانش پیدا نمودید از نظر شخصیت شناسایی شده‌ی خود در داخل

خانواده موفقیت با شما بود، آن وقت هیچ گونه ایرادی از نظر انتخاب معمول از افراد خانواده باقی نخواهد بود.

حتی در هیپنوتیزم نیز چنین است. این شرط را برای خودتان قائل شوید در ابتدای کار تا آن موقع که احساس می‌کنید مبتدی هستید آن را حفظ نموده بعد از ممارست و مداومت کم‌کم این شرط نیز از بین خواهند رفت و به خودتان نیز اطمینان بیشتری پیدا خواهید کرد.

ه - در قسمت (د - ملحقات) راجع به شخصیت و خانواده، اشاره‌ای شد و این که تا افراد خانواده از نظر شناسایی شما، یادگیری این دانش را در شخصیت شما، قبول نکرده‌اند از آنان فردی را برای خواب انتخاب نکنید.

موضوع شخصیت را در جزوه ششم توضیح داده‌ام، با توجه به شرح بالا لازم می‌دانم که اجمالاً گفته شود، شخصیت هر فرد گذشته‌ی او است، زمان مرتباً می‌گذرد، شخصیت چون دریایی است که قطره قطره پر می‌گردد، آن به آن در سطح و عمق آن تغییراتی ایجاد می‌شود. شخصیت یک وضع ثابتی را به خود نمی‌گیرد تا حواس انسان‌ها کار می‌کنند، هر لحظه و هر آن، بر معلومات و محفوظات تازه دست می‌یابد، همین اخذ معلومات در شخصیت تأثیر می‌گذارد. اگر یک شخص عادی هم که احساس گرما و سرما می‌کند، فقط با یک دیدن و حس کردن اظهار می‌دارد که امسال سردتر از سال گذشته است، نشان می‌دهد که چیزی را درک کرده، با معلوماتی که از گذشته داشته، آن را مقایسه کرده و نتیجه‌ای به دست آورده و نتیجه را با گفتن امسال سردتر از سال گذشته است اظهار کرده، همین کمترین جمله، نشان می‌دهد در حقیقت به اثبات می‌رساند در شخصیت او

تغییراتی روی داده تا توانسته است امروز را با سال گذشته از نظر حرارت هوا، مقایسه کند، نتیجه بگیرد، بیان نماید، همین است که نمی‌توان بر شخصیت رکودی قایل شد، ایستی برای شخصیت وجود ندارد، همواره در حرکت است، آن هم حرکتی که برای تکمیل معلومات می‌باشد تا سطح معلومات بالا برود، شخصیت نیز خود را به بالا می‌کشانند، شخصیت پس ایستا نیست بلکه پویا می‌باشد. زمان و مکان با آموزش در هر جنبه‌ای که باشد، فرق می‌نماید با این جریان شخصیت نیز همواره در تحول و تبدیل بوده و با افزون شدن قطره‌ای به آب این دریا متوج و آکنده، پرتر و پرتلاطم می‌گردد.

تا انسان پای به جهان می‌گذارد، شخصیت وی شکل می‌گیرد، حتی قبل از به دنیا آمدن، این شخصیت پیدا می‌شود، زیرا بودن پدر و مادر که بنیان‌گذار آن می‌باشند، این شخصیت را معرفی می‌کنند، تمام راحتی‌ها و ناراحتی‌ها، در آن تأثیر به سزایی دارد. شخصیت‌ها به همین جهت هیچ وقت به همدیگر شباهت ندارد تا دنیا است چنین خواهد بود، شخصیت دو نفر هیچ‌وقت با هم تطبیق نخواهد کرد، محیط، دوستان، دیدها، درک‌ها و خانواده، با آن همه تفاوت‌های گوناگون، شخصیت‌ها را از همدیگر تفریق می‌کند، به همین جهت است که با اضافه کردن معلومات و مطالعات، گذرانیدن زمان و تجربیات، آزمایشات، در شخصیت آثاری می‌گذارد، این موفقیت خود را که علمی آموخته‌اید، در جامعه و خانواده باید نشان دهید، در تثبیت آن بکوشید، عاملیت خود را به اثبات رسانید، در این مسأله چون افراد خانواده شما را بهتر و بیشتر می‌شناسایند، باید این تغییرات شخصیت خود را

به آنان بشناسانید، با معلومات گذشته که افراد خانواده از شما دارند، دیرتر این معلومات جدید و تغییرات شخصیت شما را خواهند پذیرفت.
و- موضوعی که در این جا شرح می‌دهم مربوط به این است که آیا اسلام با این دانش مخالف دارد یا نه؟

چنین گفت پیغمبر راستگوی ز گهواره تا گور دانش بجوی

هیچ یک از مذاهب، علم و دانش را رد نکرده‌اند، اسلام نیز با توجه به فرمایش: «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد»، مسأله را حل کرده چون کلمه‌ی (علم) مطلق و علم است، در نتیجه شامل همه‌ی علوم و دانش‌ها است که، هیپنوتیزم و مانیه-تیزم نیز یکی از آنها است برای هر فرد مسلمان واجب می‌باشد، از قافله دانش عقب نماند، باید اشاره کنم، این دانش با امور مربوط به سحر و جادو که در دین مبین اسلام منع و نهی گردیده، تفاوت دارد ولی پژوهش در علوم روانشناسی، روانکاوی و تلقین یا هیپنوتیزم و مانیه‌تیزم، منع مذهبی نداشته و بخصوص با مطالعه‌ی کتاب (کشف الاسرار) که از تألیفات گهربر نایب الامام خمینی است، با کمال قدرت می‌توان بیان کرد در آموزش این علم، هیچ گونه منعی وجود ندارد. امام خمینی می‌فرماید: "اطباء بزرگ قدیم از قبیل شیخ الرییس ابوعلی سینا عقیده‌مند بودند به یک طور معالجات روحی که آگاهی آن معالجات از علاج‌های طبیبی بهتر کار انجام می‌داده، این نظریه را دانشمندان و دکتران بزرگ اروپایی تأیید کردند حتی از آنها نقل شده که اگر مریض چندین مرتبه بگوید من خوب شدم این در خوب شدن مریض کمک می‌کند و اگر عقیده‌مند به خوب شدن خود کاملاً بشود

چه بسا که همین اعتقاد روحی او را خوب کند. اساس این عقیده قوت تأثیر روح است در بدن و تابع بودن بدن است از نفس، چه بعضی از فلاسفه بزرگ را رأی چنین است که صحت و مرض هر دو از روح است. این نظریه فرضاً که تأیید نشده باشد ولی نظریه‌ی اول که علاج روحی از روی تقویت روح مریض است در اروپای امروز تأیید شده و مقام بزرگی را حائز است. کسی که آشنا باشد به آراء عصر جدید تنویم مغناطیسی می‌داند که عقاید درباره‌ی روح و تأثیرات آن در این عالم تا چه اندازه است." (کشف الاسرار، صفحه‌ی 42 و 43)

آنگاه در همین کتاب در بحث (رأی فلاسفه روحی اروپا) چنین می‌خوانیم:

"مینیاتیزم یا نوم مغناطیسی تکان بزرگی به جهان داده، نفس‌های آخر مادیین به شمار افتاده در آتیه نزدیکی علم پرده از روی کار به کلی بر می‌دارد و عالم ارواح و زندگانی جاوید آنها و آثار غریبه‌ی آنها از قبیل عدم حساسیت خفتگان مغناطیسی و غیب‌گویی‌های آنها و صدها اسرار شگفت‌آمیز را به روی دایره ریخته اساس مادیت را برای همیشه از جهان برمی‌چیند، قدم‌های بزرگی علم امروز برای آشکار کردن اسرار نهان جهان برداشته، خوارق عادات معجزات کرامات اطلاع به مغیبات که در نظر مادیین جزء افسانه‌ها به شمار می‌رفت در جهان علم امروز نزدیک به واضحات و فردای علم آن را از بدیهیات می‌کند، چیزهایی که امروز علما روح اروپا بدان با کمال وجد و سرافرازی به خود می‌بالند، اموریست که در هزار و سیصد سال قبل از این پیغمبر اسلام و امامان شیعیان با صراحت لهجه بی‌تردید و شبهه به جهان اعلان کردند در روزی که تاریکی سراسر عالم و بخصوص جزیره‌العرب را فرا گرفته بود و از این‌گونه سخنان در جهان آن روز سابقه نداشت، فردای علم که تکان

دیگری جهان به خود دهد حقایق دقیق‌تری که قرآن گوشزد جامعه کرده خواهد بشر راه به او پیدا کرد، ما ملت قرآن تسبیح و نطق همه ذرات عالم جمادات، نباتات، حیوانات را به جهان امروز اعلان می‌کنیم و منتظریم قدم دوم را علم برداری و جهان به خود تکان دیگری دهد تا پرده از روی این حقیقت برداشته شود." (کشف الاسرار، صفحه‌ی 53 و 54)

عنوان روان‌شناسی، نام کلی است که امروز هر یک از مباحث آن در نتیجه‌ی مطالعات و تحقیقات، توسعه یافته، مضامین مختلفی را از نظر شناسایی موضوعی بر خود انتخاب کرده است و در رشته‌ی خود این تحقیقات ادامه یافته و اشخاصی در این راه قدم گذاشته‌اند که هر کدام از آنان یک دانشمند و محقق عالی‌رتبه محسوب شده و نتیجه‌ی کار خود را به جامعه علم و دانش به شکل نظریه و علم شناخته و تثبیت شده، ارائه می‌دهند تا فردای این دانش را با توجه به این مطالعات و تحقیقات، مداوم و جدی، غنی‌تر از امروز مشاهده خواهیم کرد.

آخرین پیام

امروز می‌توان گفت با پایان دادن به این جزوه دوازدهم، مروری بر خودشناسی و خودسازی به نام دانش هیپنوتیزم و مانیه تیزم داشته‌اید، امیدوارم باز هم بتوانم برای شناخت بیشتر و تحقیق عمیق‌تر، یادداشتهای خود را در دسترس علاقه‌مندان قرار دهم:

این دوازده جزوه مربوط به آموزش مانیه تیزم بود که نیاز به تمرینات دائمی دارد، یعنی حفظ سلامتی بدن، مرتب بودن زندگی، دخالت دادن اراده در تمام کارها،

بالاخره تلقین به نفس و تنفس عمیق از شرایط آن بوده و عامل می‌تواند با یک برنامه‌ی روزانه مرتب و برای همیشه به مطالعات و تمرینات خود ادامه داده و موفقیت‌های دیگری و کامل‌تری از کارها به خود به دست آورد.

به طوری که از گفتارهایم و نوشته‌هایم بر می‌آید و بدان‌ها نیز دوستان عزیز توجه داشته‌اند، حال پنجاه سال است در دانش هیپنوتیزم و مانیه‌تیزم کار کرده و دو جلد کتاب به نام (نقطه‌ی سیاه) و (هیپنوتیزم و تلقین) را به نگارش آورده و منتشر کرده‌ام، کتاب (تجربیات من در هیپنوتیزم) نیز تقریباً آماده‌ی چاپ و انتشار است. در کتاب‌های مختلفی که از دیگران مطالعه کرده‌ام عده‌ای هیپنوتیزم را مدرن شده مانیه‌تیزم تلقی کرده و بعضی نیز هیپنوتیزم و مانیه‌تیزم را با هم یک دانش تعریف و توصیف کرده‌اند، در نتیجه برای خوانند مشتبه می‌شود و پیش خود نمی‌تواند تشخیص دهد که این، آن است یا آن، این، نظر انتقاد نیست، یا این‌که می‌خواهم نوشته‌های کسی را بی‌ارزش قلمداد نمایم، در کتاب‌های خود اشاره کرده‌ام در این‌جا هم تکرار می‌کنم، روش‌هایی که امروز برای خواب کردن به کار گرفته می‌شود عبارتند از:

1- تلقین 2- هیپنوتیزم 3- مانیه‌تیزم

آن‌که با مانیه‌تیزم کار می‌کند، خویش‌شناس است، در نتیجه خداشناس نیز می‌باشد. روشی را پیروی می‌کند که در آن حقیقتی است و تا پایان زندگی نیز از آن پیروی خواهد کرد، او می‌داند که چه کاری انجام می‌دهد، او متوجه است که، چه دانشی را یاد گرفته و در جامعه‌ی خود، یا به طور کلی در اجتماع انسانی که

شامل همه و همه است، چه نقشی را باید ایفاء نماید و چه مسئولیت‌هایی را بر عهده بگیرد.

در نوشته و گفتارهایم، بیشتر به سه اصل بالا اشاره کرده و از ترکیب آنها، طرفداری نموده، هرکدام را نیز ارزشی قائل هستم و در مقام خود هر یک دانشی مستقل هستند، ولی برای موفقیت در جامعه، مخلوطی از این سه اصل را به نام خواب‌های مرکب یا مخلوط تبلیغ می‌نمایم.

اصولی که تدریس می‌کنم، روشی است که، از پدر آموخته‌ام، راهی را که ایشان پیموده‌اند، پای می‌گذارم. به همین جهت نیز تاکنون هر دوره‌ای که، پایان یافته، هم‌ه‌ی داوطلبان آن، با اندوخته کافی، رضایت کامل به آن خاتمه داده و پیشرفت‌های خود در خودشناسی، اذعان دارند.

در نظر دارم در آینده در سطح علمی‌تر، عمیق‌تر، مطالعات خود را تلقیق و تدوین نمائم، امید است بتوانم از کسانی که، این دوره ابتدایی را با موفقیت گذرانیده‌اند، دعوت نمائم تا در آن کلاس‌ها نیز شرکت جویند، از یک رسم شرقی دست بردارند و از مکتب قطع علاقه و رابطه ننمایند.

موضوع این که، در کشورهای شرقی به خصوص در ایران مشاهده می‌شود که دانشجویان پس از چند سال تحصیل و گرفتن مدارک لازم، تا از درج دانشکده یا دانشگاه پای بیرون می‌گذارند، دیگر به عقب سر نگاه نمی‌کنند، البته نداشتن سازمان صحیح در مراکز علمی نیز سبب این جدائی‌ها می‌باشد. فقط آن چه را که در مرکز علم یاد گرفته‌اند، تا ابد الذهر برای خود کافی دانسته، به همین مناسبت از پژوهش‌های بعدی هیچ‌گونه خبر و اطلاعی بدست نمی‌آورند.

انتظار شنیدن خبر موفقیت‌های بزرگ دوستان را دارم.

فریدون فریور

با آخرین پیام، پایان این دوره‌ی خودشناسی و خودسازی را اعلام نموده، امیدوارم که دوست عزیز با مطالعه و انجام تمرینات خویشتن را به مرحله‌ای از این علم رسانیده باشند که بتوانند کارهایی را انجام دهند. باید به خاطر داشته باشید هر قدر جدی‌تر بیشتر تمرینات را مداومت بدهید، به قدرت خود افزوده و بهتر استفاده خواهید کرد و مفید جامعه قرار خواهید گرفت. در پایان خواهشمند است آخرین گزارش خود را راجع به آموزش و کارهایی که انجام می‌دهید برای تکمیل پرونده ارسال فرمایید. آرزوی آگاهی از موفقیت شما را داریم.

پایان جزوه دوازدهم

از دیگر تالیف‌های استاد فریدون فریور

1- کتاب هیپنوتیزم و تلقین

2- کتاب نقطه سیاه

3- مجموعه 12 جزوه آموزشی و عملی آموزش هیپنوتیزم, دگر هیپنوتیزم و مانیه تیزم

شما میتوانید محصولات فوق را در سایت <http://hipnotism.ir> و با در سایت <http://paydownload.ir> دانلود کنید



فروشگاه مرکزی <http://inapply.ir>